

## مقاله پژوهشی

# واکاوی جایگاه کوه در آیین‌های اساطیری منظر فرهنگی سه‌هند بر اساس نشانه‌شناسی لوتمان\*

بهروز توکلی<sup>۱\*</sup>، غلامرضا کیانی ده کیانی<sup>۱</sup>، مینو قره بگلو<sup>۲</sup>

۱. گروه مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران  
۲. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶

## چکیده

آیین‌های کهن و رسوم نمادین، به‌مثابه نشانه‌های فرهنگی، بازنمایی ادراک انسان در طول تاریخ و بیانگر هویت و ارزش‌های فرهنگی یک سرزمین هستند که در بستر زمانی و مکانی منظرهای فرهنگی شکل گرفته‌اند. کوهستان سه‌هند، به‌عنوان یک منظر فرهنگی-طبیعی با قائل متعدد، به‌دلیل جایگاه اسطوره‌ای و آیینی‌اش در روایات تاریخی و باورهای محلی، در فرایند شکل‌گیری آیین‌های جوامع ساکن در این منطقه نقش محوری داشته است. در این راستا این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه آیین طواف در قلعه سلطان سه‌هند و آیین قربانی گاو اسفنجان در دامنه‌های این کوه، به‌عنوان نظام‌های نشانه‌ای، در سپهرهای نشانه‌ای ایران باستان، اسلامی و ترکی عمل کرده و به بازنمایی و انتقال ارزش‌های فرهنگی کمک می‌کنند؟ هدف از انجام این پژوهش، بررسی و تحلیل این آیین‌ها با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان، به‌منظور درک نقش آیین‌ها در بازنمایی و غنی‌سازی هویت فرهنگی جوامع محلی است. این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره می‌گیرد. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده و براساس نظریه نشانه‌شناسی فرهنگی یوری لوتمان تحلیل شده‌اند. کوهستان سه‌هند در چهارچوب نظریه لوتمان، به‌عنوان یک سپهر نشانه‌ای کانونی، بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد این آیین‌ها، به‌مثابه نظام‌های نشانه‌ای پویا، نه تنها بازتاب‌دهنده باورها و ارزش‌های فرهنگی هستند بلکه در فرایند معناسازی و غنی‌سازی هویت فرهنگی جوامع محلی نقش فعالی ایفا می‌کنند. این آیین‌ها بستری برای انتقال و حفظ میراث فرهنگی در گذر زمان فراهم می‌آورند.

**واژگان کلیدی:** منظر فرهنگی، کوه سه‌هند، آیین‌های اساطیری، نشانه‌شناسی فرهنگی، یوری لوتمان.

## مقدمه

مکان‌های طبیعی مقدس، به‌مثابه پهنه‌هایی واجد ارزش معنوی ژرف برای جوامع بشری، همواره کانون توجه پژوهشگران بوده‌اند. این اماکن، آمیزه‌ای از عناصر فرهنگی و طبیعی و نمادی از هویت جمعی و باورهای دینی جوامع به‌شمار می‌روند. روایت هر یک از این مناظر فرهنگی، اعم از رویدادها، فعالیت‌ها، اشخاص و ارزش‌های فرهنگی و زیبایی‌شناختی ساکنان، گاه از طریق آثار مادی (مانند بناها و سایت‌های تاریخی) و گاه به مدد آثار معنوی و غیرمادی (مانند آیین‌ها، داستان‌های شفاهی و ادبیات محلی) دیده می‌شود. در چنین مناظری، تفکیک ارزش فرهنگی و طبیعی مکان امری ناممکن است. بسیاری از جوامع سنتی در سراسر جهان، جایگاه ویژه‌ای برای مکان‌های طبیعی نظیر کوه‌ها، رودخانه‌ها، چشمه‌ها، غارها، درختان و... قائل شده‌اند. دلایل تقدس این مکان‌ها نیز متنوع است؛ آن‌ها ممکن است به‌عنوان جایگاه خدایان و ارواح،

منابع آب شفابخش و گیاهان دارویی، محل ارتباط با ماوراءالطبیعه و مکان‌های تحول و مکاشفه، محل دفن اشخاص مقدس و رهبران معنوی، معبد و زیارتگاه یا مکان‌های مرتبط با رویدادهای خاص تلقی شوند (Wild & McLeod, 2008, 7). آگاهی از خاستگاه مکان‌های طبیعی مقدس و سنت‌های مرتبط با آن‌ها، اغلب در دل داستان‌ها و اسطوره‌های جوامعی نهفته است که آن‌ها را مقدس می‌شمارند (کبیری‌هندی و دانه‌کار، ۱۳۹۱، ۱۴۸). امتزاج ویژگی‌های طبیعی (اعم از ارگانیک و طراحی شده) با ویژگی‌های فرهنگی، آیینی و آداب و سنن جامعه، نقشی بنیادین در شکل‌گیری مناظر فرهنگی مقدس ایفا کرده و بررسی ویژگی‌های زیست‌محیطی، تاریخی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی این مناظر، ابعاد مهمی از ریشه‌های قومی، هویتی و فرهنگی یک ملت را آشکار می‌سازد.

در اغلب اساطیر ملل، کوه مقدسی وجود دارد که منزلگاه خدایان است و برای همه خدایان آسمانی بر بلندی‌ها، مکان‌هایی برای عبادت ساخته شده است. کوه کایلاش در تبت، تاشان در چین، فوجی در ژاپن، آلتای در ترکستان و قله‌های سانفرانسیسکو در آریزونا، همچنین

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «بهروز توکلی» با عنوان «تبیین اصول حفاظت از کوه‌های مقدس آذربایجان به‌مثابه مناظر فرهنگی (نمونه مطالعاتی: کوهستان سه‌هند)» است که به راهنمایی دکتر «غلامرضا کیانی ده کیانی» و دکتر «مینو قره بگلو» در دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.  
\*\* نویسنده مسئول: b.tavakkoli@au.ac.ir، ۰۹۱۴۹۱۵۸۵۷۸

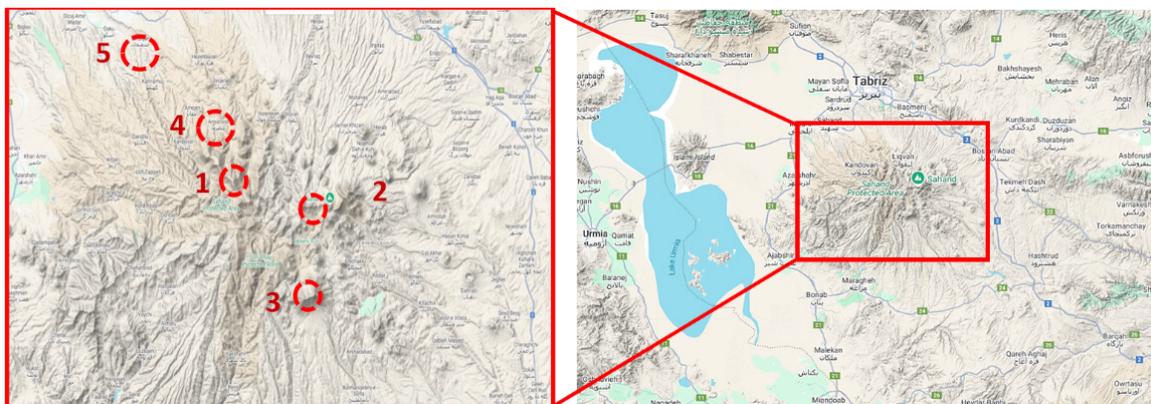
تبیین می‌کند. این تحلیل به حفظ و احیای میراث فرهنگی ناملموس و افزایش شناخت ریشه‌های فرهنگی و هویتی منطقه کمک می‌کند.

### پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت منظر فرهنگی کوه سهند و آیین‌های مرتبط با آن، مطالعات اندکی در این زمینه انجام شده است. اکثر مطالعات بر توصیف و تحلیل مردم‌شناختی آیین‌ها تمرکز داشته‌اند و از بعد نشانه‌شناختی به آن‌ها پرداخته نشده است. پژوهشگران (میری خسروشاهی و فریدآقائی، ۱۳۹۳؛ Mashhadi Noushabadi, 2022) به بررسی آیین قربانی گاو در اسفنجان پرداخته‌اند. با این حال، این مطالعات بیشتر بر ابعاد تاریخی و دینی آیین تمرکز داشته‌اند و به ابعاد نشانه‌شناختی آن کمتر پرداخته‌اند. فلسفی (۱۳۸۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سی و ششمین روز بهار در روستای اسفنجان» که در نشریه دیلم‌چاپ شده است به توصیف مشاهدات میدانی خود از آیین مذکور پرداخته است. در حوزه نشانه‌شناسی منظر فرهنگی، مطالعاتی چون فیاض و همکاران (Fayaz et al., 2012) به بررسی مفاهیم کلی این حوزه پرداخته‌اند. با این حال، این مطالعات نمونه‌های موردی برای نشان دادن کاربرد عملی روش‌های نشانه‌شناسی در تحلیل منظر فرهنگی ندارند. دیگر مطالعات (دباغ و مختاباد امرئی، ۱۳۹۳؛ Majedi & Zarabadi, 2010; Noghrekar & Raiesi, 2011; Ghaffari & Folamaki, 2016; Nejad Ebrahimi et al., 2019) یک شهر یا بنا یا کاربری آن را از منظر نشانه‌شناسی بررسی کرده‌اند برخی مطالعات نیز (Mirshahzadeh et al., 2011) خوانش نشانه‌شناسانه روی بخشی از یک بنا مانند ایوان یا گنبد انجام داده‌اند. حوزه نشانه‌شناسی آیینی، همه‌جانی و همکاران (Hamejani et al., 2018) در پژوهشی با عنوان «نشانه‌شناسی مراسم آیینی پیر شالیار در منظر فرهنگی هورامان» به معرفی و بازسازی معنایی مراسم آیینی پیر شالیار در منظر فرهنگی هورامان از منظر نشانه‌شناسی پرداخته‌اند. همچنین خانی (۱۳۸۲) به بررسی نمادین کوه رضوی در فرهنگ اسلامی پرداخته‌اند. همتی و زینالی اناری (Hemati & Zeynali Onari, 2014) در مطالعه‌ای خوانش معنایی نشانه سبلان در ساحت فضای شهری اردبیل توسط مردم شهر را بررسی کرده‌اند.

کوه المپوس و پارناوس در ادبیات باستان یونان، البرز در اساطیر ایرانی و قاف در روایات اسلامی (قصص الانبیا و رساله سرخ)، کوه مرو برای هندوها، فوجی برای شینتوها، سینا برای مسیحیان و ساوالان در آذربایجان، همگی از مهم‌ترین ارکان عالم و رابط بین زمین و آسمان (انسان و خدا) بوده‌اند (Wijesuriya, 2001). فضاهای آیینی، به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ هر جامعه، تجلی عینی ذهنیت‌ها و باورهای ساکنان آن منطقه هستند.

کوهستان سهند، با بیش از ۵۰ قله بالای ۳۰۰۰ متر، در باورهای مردم آذربایجان جایگاه مقدسی دارد و با احترام ویژه‌ای نگریده می‌شود (خامچی، ۱۳۷۰، ۷۳). قله‌های سلطان، جام (اجاق)، حرم سهند، درویشلر و کمال، از معروفترین قله سهند هستند (زادغلامحسین، ۱۴۰۰، ۱۵) (تصویر ۱). برگزاری آیین‌های طواف قله سلطان سهند و بلاگردان کردن احشام در بالای قله، مراسم قربانی گاو در روستای اسفنجان و زیارت پیرسنگ، زیارت قله جام و تبرک چشمه‌های آن (مانند چشمه قیرخ بولاخ با کتیبه‌های باغوان محل وضوی زواران سهند) و بسیاری دیگر از آیین‌های کهن، که همگی بر اهمیت آیینی این کوهستان تأکید دارند، می‌توانند به‌عنوان باز نمودی از اندیشه و هویت فرهنگی جوامع محلی تفسیر گردند. بر این اساس، به‌جهت فقدان پژوهش در حوزه نشانه‌شناسی در منظر فرهنگی سهند، این پژوهش بر آن است تا با هدف مرتفع کردن این خلاء پژوهشی، پس از بررسی مبانی و مفاهیم نشانه‌شناسی و ارائه روش‌شناسی پژوهش، مراسم طواف قله سلطان سهند و قربانی گاو در اسفنجان در دامنه کوه سهند را در سه سپهر نشانه‌ای ایران باستان، اسلامی و ترکی واکاوی کند. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان با استفاده از ابزارهای نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان، فرایندهای تولید و بازنمایی معانی فرهنگی در آیین‌ها و نقش آن‌ها در شکل‌دهی هویت جمعی را تحلیل کرد؟ این پژوهش با تحلیل نشانه‌ها و نظام‌های معنایی موجود در آیین‌ها، به بررسی ارتباط آن‌ها با فرهنگ بومی آذربایجان، اسلام و ایران باستان پرداخته و نقش این آیین‌ها در انتقال ارزش‌های فرهنگی و تحولات تاریخی آن‌ها را



تصویر ۱. موقعیت کوهستان سهند، قله شاخص آن و روستاهای مطالعه‌شده در دامنه شمال غربی کوهستان (۱). قله کمال سهند، ۲. قله کمال سهند، ۳. قله جام سهند، ۴. عنصرود، ۵. اسفنجان). مأخذ: نگارندگان.



رودخانه می‌ریزند تا حیوانات ناپاک به اجزای مقدس قربانی دسترسی نداشته باشند.

داستان‌های شفاهی و روایات اساطیری در خصوص آیین قربانی گاو میان اهالی روستا به صورت‌های گوناگونی بیان شده‌اند، مثلاً طبق مهم‌ترین روایت، در قدیم دختر گبر چوپانی از اهالی روستا، مخفیانه به سربازان مجروح لشکر اسلام از شیر گوسفندان داده و به درمان آن‌ها کمک کرده است. با خبردار شدن برادران از موضوع، دختر تهدید به مرگ شده و با فرار به بالای کوه به خدا متوسل شده و به اذن حق در محل نشانگاه در دل زمین پنهان می‌شود. در پی طوفان‌های سهمگین و مخرب در همان سال، زنی کهن سال از اهالی روستا در خواب می‌بیند که دختر به وی گفته که در صورت قربانی در محل غیب شدن وی، بلا دفع می‌شود. با به حقیقت پیوستن وعده، اهالی از آن سال همه‌ساله آیین را در زمان و مکان مشخص برپا می‌دارند (فلسفی، ۱۳۸۵، ۲۱). آیین قربانی گاو در اسفنجان، به عنوان یک نظام نشانه‌ای چندلایه، شامل عناصر مهم فضایی (مانند مسجد، میدان، قنات، قره‌داش، بقعه، قربانگاه و نشانگاه) و معنایی (مانند باورهای تاریخی و روایت‌های محلی) است که بستر اجرای آیین را تشکیل می‌دهند. این باورها و روایات محلی، که ریشه در فرهنگ و تاریخ منطقه دارند، در چهار چوب سپهر نشانه‌ای معنا تولید می‌کنند و این آیین را به یک نظام نشانه‌ای پویا تبدیل می‌کنند.

#### • آیین طواف کوه سلطان

قله سلطان با ارتفاع ۳۴۵۱ متر بلندترین قله شمال غربی کوهستان سهند است. آیین طواف قله سلطان در اولین روز پاییز در روستای عنصرود (آستاری) واقع در دامنه این کوه با هدف شکر گزاری، زیارت و ادای نذر در گورستان تاریخی بالای قله انجام می‌گیرد. در کتاب روضات الجنان در مورد قله سلطان سهند آمده است که در قله کوه سلطان که قسمتی از کوه سهند است، قبر اسامه بن شریک است و مردم آن را اسامه سلطان می‌خوانند و به زیارت وی می‌روند (ابن کربلایی، ۱۳۴۹، ۲۲-۲۳). اهالی روستای عنصرود در روز آخر تابستان با پای پیاده یا با چهارپایان به بالای کوه سلطان داغی رفته و جایی برای اقامت شبانه مهیا می‌کنند و با نوای یک نوحه‌خوان، شبانه کنار گورستان تاریخی قله و اطراف بقعه‌ای که برخی مقبره

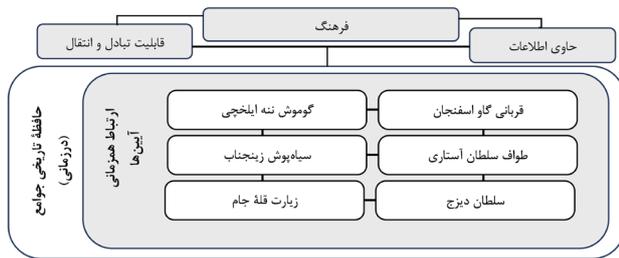
با اتکا به اصول نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان، این پژوهش به تحلیل نشانه‌ها در آیین‌های مرتبط با منظر فرهنگی کوه سهند (مانند طواف قله سلطان و قربانی گاو اسفنجان) می‌پردازد. کوه سهند، به عنوان یک سپهر نشانه‌ای کانونی، بستری برای دیالوگ بین سپهرهای نشانه‌ای ایران باستان، اسلامی و ترکی فراهم می‌کند. این تحلیل، با بررسی فرایندهای تولید معنا و تعاملات میان فرهنگی، پیوند عمیق بین طبیعت و فرهنگ در این آیین‌ها را آشکار می‌سازد و گامی در جهت حفظ میراث فرهنگی ناملموس منطقه برمی‌دارد.

#### • آیین قربانی گاو در اسفنجان

آیین قربانی گاو در اولین پنجشنبه بعد از سی‌وششمین روز بهار در روستای اسفنجان واقع در دامنه شمال غربی سهند با هدف دفع بلاهای طبیعی (بادهای سهمگین محلی و قحطی) انجام می‌گیرد. اجرای مراسم با بردن گاو به میدان مقابل مسجد روستا قبل از طلوع آفتاب و قرائت قرآن مجید آغاز می‌شود. سپس با گرداندن گاو در تمامی محلات روستا، که در طول آن دعاخوانی و مدیحه‌سرایی و اعمال ویژه‌ای صورت می‌پذیرد و اهالی نذورات خود را به گروه همراهی کننده ارائه می‌دهند، تمامی شرکت‌کنندگان به جز زنان، گاو را به چشمه قنات هدایت می‌کنند (میری خسروشاهی و فریدآقایی، ۱۳۹۳، ۱۳۴). پس از سیراب کردن گاو از آب قنات عیدوا، اهالی روستا قربانی را به طرف تپه‌ای در جنوب روستا برده و قربانی را سه مرتبه دور صخره قره‌داش و بقعه کنار آن گردانده و سپس به سوی کوه مقدس قربانگاه در ۱/۳ کیلومتری تپه حرکت می‌کنند. قربانی در بالای کوه باید در فاصله سی‌وشش قدمی از نشانگاه (گودالی که روی آن سنگ چین شده) سر بریده شود و خون قربانی پس از جاری شدن در کانال به نشانگاه برسد. در این میان فرد مؤمنی از ریش سفیدان اهالی با ذکر نام خدا و صلوات بر پیامبر (ص)، به صورت نمادین چاقورا بر گردن گاو می‌گذارد سپس قصاب مسئول عمل قربانی را انجام می‌دهد. قربانی زمانی قابل قبول می‌شود که خون آن به نشانگاه برسد و در غیر این صورت مراسم در پنجشنبه بعد تکرار می‌شود (Mashhadi Noushabadi, 2022, 435). گوشت قربانی برای پخت غذای ویژه کوفته بین تمامی اهالی تقسیم می‌شود (تصویر ۳). اهالی پس از پایان مراسم، استخوان‌ها را دفن کرده یا در



تصویر ۳. قره‌داش، مراسم قربانی و پخت نذری. مأخذ: آرشیو نگارنگان.



تصویر ۵. سیستم‌های کارکردی آیین‌ها در سپهر نشانه‌های کوهستان سهند. مأخذ: نگارندگان.

مردگان نیز در سرپل چینوت داوری می‌شوند (بهار، ۱۳۷۶، ۹۶-۹۹). در فرگرد ۲۲ وندیداد، فقره ۱۹، اشاره شده است که اهورامزدا در بالای کوه با زرتشت مکالمه کرده است. قرشی (Ghorashi, 2001, 173) در کتاب «آب و کوه در اساطیر هند و آریایی»، بر جایگاه سبلان و سهند در دوران ساسانی اشاره کرده و می‌نویسد: «کوه سهند پس از انتقال ایران ویج به آذربایجان اهمیت آیینی بیشتری یافته و مشرف بر آتشکده بزرگ آذرگشسب گردید». در برخی منابع پهلوی چون بندھشن، گزیده‌های زادسپرم، دینکرد و چند منبع دیگر، آتشکده آذرگشسب در اسنوندکوه، که کوهی در آذربایجان دانسته شده، بنا شده بود. برخی از منابع اسنوندکوه را سهند می‌دانند و برخی سبلان (Ghorashi, 2001, 180). در آیین میتیایی مهر، که دارنده دشت‌های فراخ و زادگاهش سینئه کوه و در غار است، از آذرخش دو قطعه سنگ زاده شده و قربانی مقدس را در غار انجام داده است (Javadi, 2007, 15) در اوستا از کوهی به نام ارزور نیز سخن گفته شده که یکی از کوه‌های البرز است و از آن به‌عنوان دروازه دوزخ و جایگاه دیوان یاد شده است (کزازی، ۱۳۷۹، ۲۴۴).

در تاریخ ترکان، هر قبیله یا گروهی، کوهی را به‌عنوان حامی سلسله خود پذیرفته و مقدس قلمداد می‌کردند و آیین‌ها و مراسم‌هایی را برای این کوه و ارواح آن برگزار می‌کردند (سیداف، ۱۳۸۴، ۱۰۱). در داستان آفرینش متعلق به ترک‌ها، در مورد کوه آمده است: «ولگن درحالی که جهان را خلق می‌کند، روی کوه طلایی که با اشعه‌های خورشید بافته شده بود، نشست. این کوه بین آسمان و زمین بود. آنقدر به آسمان نزدیک بود که تنها یک فاصله به اندازه قد انسان بین قله و

اسامه بن شریک و برخی چون مشکور (۷۳۹، ۱۳۵۲)، قبر بایسنقر میرزا دانسته‌اند، عزاداری و دعاخوانی می‌کنند و پیش از طلوع آفتاب به طواف آن مقبره می‌پردازند و پس از نماز صبح، نظاره‌گر طلوع خورشید می‌شوند.

در پی اجرای این مراسم، گله‌های روستا همراه با چوپانان به قله رسیده و گرد مقبره جمع می‌شوند سپس از سمت غرب، گله‌ها به‌همراه چوپانان، مقبره را طواف کرده و از اهالی هدایایی دریافت می‌کنند (تصویر ۴). اهالی روستا بر این باورند که اگر در حین حرکت گوسفندان به گرد مقبره، گوسفندی به عقب برگردد و یا صورت به سمت زیارتگاه بگرداند، آن را قربانی می‌کنند. افزون بر این، هر دامدار یک بزغاله یا گوسفند قربانی می‌کند. در پایان این مراسم، شیر یک‌روزه گله را به بارگاه هدیه می‌دهند. بعد از اتمام مراسم، گوشت قربانی بین تمامی روستاییان اسفنجان و همچنین روستاهای اطراف که در تهیه قربانی مشارکت داشتند، تقسیم می‌شود. باور به دفع بلا یا از گله‌ها و دام‌های روستاییان و اعتقاد به ازدیاد و برکت محصولات دامی از طریق اجرای آیین قربانی و تجلیل از چوپانان، همه‌ساله رنج صعود به قله را برای مردم روستا سهل کرده است.

ارکان اصلی آیین کوه سلطان سهند را می‌توان چنین بیان کرد: صعود اهالی روستا به قصد زیارت، طواف شبانه بقعه، نوحه‌خوانی و دعاهای زیارت، نظاره‌گر بودن طلوع خورشید، طواف چوپانان و گله بر مقبره، قربانی کردن و ادای نذر به بارگاه (جدول ۱).

به‌غیر از این‌ها آیین‌های مشابهی در دامنه‌های شمال غربی کوهستان سهند در ایلخچی (گوموش ننه)، زینجناب (سیاهپوش)، دیزج (سلطان) و دیگر روستاهای همجوار عنصرود و اسفنجان برگزار می‌شود که ارتباط هم‌زمانی و در زمانی جوامع و مناسک، کلیت سپهر نشانه‌ای سهند را شکل می‌دهند (تصویر ۵).

#### • جایگاه کوه در سپهر ایران باستان، اسلامی و ترکی

در اندیشه ایرانیان باستان، زمین کاملاً هموار و دست‌نخورده بوده و هیچ حرکتی میان زمین و ماه و ستارگان وجود نداشته است اما به‌دنبال تازش نخست اهریمن، زمین ناگهان دگرگون شده و کوه‌ها ایجاد شدند (Hinnells, 2007, 22). در اساطیر منتسب به ایران باستان، انسان نخستین در کوه خلق شده و در کوه زیسته و ارواح



تصویر ۴. بقعه، گورستان تاریخی و مراسم طواف در قلّه سلطان سهند. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های نشانه‌های آیین طواف کوه سلطان و قربانی گاو اسفنجان. مأخذ: نگارندگان.

ارکان نشانه‌های آیین‌ها	آیین قربانی گاو اسفنجان	آیین طواف کوه سلطان
مرکزیت فضایی و مکانی	میدان روستا - کوه پیره سج - کوه قربان	قله سلطان‌سهند - بقعه قله
نوع قربانی	گاو	گوسفند
هدف	دفع بلا از باغات و روستا	دفع بلا از دام‌ها - طلب برکت برای محصولات دامی
عناصر نشانه‌ای	گاو، سنگ قره‌داش، بقعه پیرسج، نشانگاه	قله سلطان‌سهند، بقعه بالای قله، طواف

در فرهنگ اسلامی، کوه‌ها به‌عنوان مکان‌هایی مقدس و مرتبط با تجارب معنوی شناخته می‌شوند. برای مثال، وحی به پیامبر (ص) در غار حرا و داستان ملاقات موسی (ع) با خادار کوه طور که در قرآن آمده است، جایگاه معنوی کوه‌ها را نشان می‌دهند (خانی، ۱۳۸۲، ۱۳۲).

### • تحلیل نشانه‌شناختی آیین‌ها

از آنجاکه در این پژوهش سعی بر آن است که از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان به تحلیل و بررسی نماد کوه در آیین‌های جوامع مرتبط با منظر فرهنگی سهند بپردازیم لذا می‌توان کوهستان سهند را به‌عنوان سپهر نشانه‌ای کانونی در نظر گرفت که آیین طواف قله سلطان در یکی از مهم‌ترین قله‌ها و قربانی گاو در کوه‌های دامنه آن در بستری برای تعامل فرهنگ‌های ترکی، اسلامی و میترائی فراهم می‌کند. برای خوانش سپهر نشانه‌ای کوهستان سهند نیازمند درکی از نظام‌های نشانه‌ای متشکل از رمزگان‌ها در آیین‌های مرتبط هستیم که همراه با دیگر نظام‌های نشانه‌ای تحلیل می‌شود (جدول ۲). طبق باور لوتمان وجود دو مؤلفه است که فرهنگ را تعریف می‌کند: (۱) فرهنگ حاوی اطلاعات است و (۲) این اطلاعات قابل تبادل و انتقال است (Lotman et al., 1978, 2). واضح است این دو مؤلفه، کارکردی هستند و جنبه کارکردی سیستم‌های فرهنگی را مشخص و به آن کمک می‌کنند (سرفراز و همکاران، ۱۳۹۶، ۷۸).

بر اساس تعریف لوتمان، از فرهنگ به‌عنوان سیستمی اطلاعاتی و قابل انتقال (Lotman et al., 1978, 2)، آیین‌های مرتبط با سپهر نشانه‌ای سهند (مانند طواف قله سلطان سهند و قربانی گاو اسفنجان) دو هدف را محقق کرده‌اند: نخست، شکل‌دهی به محتواهای فرهنگی جدید در طول تاریخ و دوم، انتقال این محتواها به صورت همزمانی (از طریق ارتباط با آیین‌های مشابه در روستاهای همجوار مانند گوموشلی‌ننه، سلطان‌دیزج و سیاهپوش در زینجان) و در زمانی (از طریق حفظ حافظه تاریخی مشترک در روایات محلی) (میری خسروشاهی و فریدآقائی، ۱۳۹۳، ۱۴۰).

سپهر فرهنگی سهند، به‌عنوان یک سیستم نشانه‌ای پویا، تحت تأثیر تعاملات فرهنگی متعدد، دستخوش تحولات مستمری در سطح نمادها و آیین‌ها شده است. فرایند ترجمه بینا فرهنگی در این سپهر، منجر به ایجاد لایه‌های معنایی پیچیده و دگرگونی تدریجی نمادها در سطوح عینی و معنایی شده است. براساس سازوکار ترجمه بینا فرهنگی لوتمان، نشانه‌های موجود در آیین‌های مرتبط با منظر

آسمان وجود داشت» (Sakaoglu & Duymaz, 2002, 175) و هر وقت آرزوی تقرب به روح کوهستان داشتند و یا وقتی به کمک‌شان نیاز داشتند، همیشه از کوه‌ها بالا رفته و قربانیان خود را آن‌جا تقدیم کرده و مراسم خود را در آن‌جا انجام می‌دادند. زنان در مراسم قربانی شرکت نداشتند و بعد از انجام مراسم در هنگام پخت و خوردن آن زنان شرکت می‌کردند (Bayat, 2006, 57). اینان (Inan, 2016, 416) مراسم قربانی برای کوه میان سکاها را از زبان کاتانو بدین صورت شرح می‌دهد که هر سه سال یک بار بالای کوه مراسم قربانی حیوان بالغ با مشارکت ۱۵۰-۱۰۰ مرد برگزار می‌شده و با آیین‌های خاصی به اجرای مراسم می‌پرداختند. در طول تاریخ، سنت تدفین بزرگان سیاسی، دینی و قهرمانان در ارتفاعات کوهستانی یا دامنه آن‌ها، میان اقوام ترک، ریشه در باورها و اساطیر دینی داشته است. این امر، نه تنها به دلیل نزدیکی به عالم بالا و مظاهر مقدس بلکه به منظور نمایش منزلت و قدرت متوفی نیز صورت می‌گرفته است. در آذربایجان، کوه عینالی در تبریز، گوی زنگی و علمدار در میشومرند، کوه پیر در ورزقان و سلطان در سهند، از جمله نمونه‌های برجسته‌ای هستند که مقابر واقع در قله آن‌ها، امروزه به زیارتگاه‌های قابل احترام جوامع محلی تبدیل شده‌اند. «از آنجاکه در باور ترکان باستان همه هستی از جاندار و بی‌جان، روحی خاص در بطن خویش داشتند، کوه‌ها نیز روحی عظیم بودند که آلت‌های آن‌ها را مادیان قربانی می‌کردند. گاو نر هم به‌عنوان سمبل گوک تورک‌ها در آئینی خاص به بزرگ‌ترین خدایان قربانی می‌شد» (Uraz, 2017, 211).

بر اساس باورهای اساطیری ترکان، این اقوام معمولاً مراسم قربانی و سوگند را بالای کوه‌های مقدس خود به‌جای می‌آوردند (سیداف، ۱۳۸۴، ۳۵۷). در همین راستا اینان (Inan, 2016, 65) می‌نویسد: «ترکان، هر ساله در کوه مقدس هان یوان، برای خدای آسمان قربانی می‌دادند». او همچنین می‌افزاید خاقان‌های هون، معاهده خود با چینی‌ها را نیز در قله کوهی به نام «هون داغی» با یاد کردن سوگند و دادن قربانی می‌پستند. مطابق با اساطیر ترکی، حیواناتی که برای قربانی کردن در پیشگاه خدای آسمان (روشنی) انتخاب می‌شدند به رنگ سفید بوده و برای خدای زیرزمین (تاریکی) حیواناتی با رنگ تیره، قربانی می‌کردند (سیداف، ۱۳۸۱، ۲۶). در آیین روستای اسفنجان که مراسم قربانی برای درمان مانند از بادهای سهمگین صورت می‌گیرد معمولاً گاو نر تیره رنگ برگزیده می‌شود.

و نه فرهنگ فضای متعلق به دیگری است. علاوه بر این‌ها، دوگان‌های مرگ و حیات در آیین قربانی گاو و دوگان زمین و آسمان در طواف قلّه سلطان و دوگانه زمستان و بهار در موعده، هر دو آیین از دوگان‌های قابل تعریف در سپهر نشانه‌های سهند هستند.

با توجه به این تعریف، می‌توان آیین‌های مرتبط با کوه سهند را به‌عنوان یک نظام نشانه‌ای در نظر گرفت که در سپهر نشانه‌های سهند شکل گرفته و به‌طور مداوم در حال تغییر و تحول است. بنابر مطابق با تعبیر لوتمان، سنن جوامع ساکن در منظر سهند شامل آیین‌ها، ادبیات، شیوه تولید و اساطیر داستانی و... به‌عنوان ابژه‌ای کارکردی و نه ثابت و ایستا، به‌مثابه یک متن، بروز و ظهور می‌کند که دائماً در حال تغییر هستند و این امر به علت وجود «سپهر نشانه‌ای» در حکم شبکه‌ای از مناسبات است که متن‌ها مبتنی بر آن‌ها عمل می‌کنند. بدین‌گونه، آیین‌های مرتبط با کوهستان سهند، به‌عنوان یک نظام نشانه‌ای، تا زمانی که در فرایند تولید و مبادله اطلاعات بین افراد روستا و مهاجرین به شهر نقش دارند، به حیات خود ادامه می‌دهند. این آیین‌ها با تغییر چهره و نوشدن مداوم، خود را بازتولید کرده و اطلاعات جدیدی تولید می‌کنند. پدیدارهای نشانه‌ای موجود در این سپهر، در قالب پیوستاری سازمان یافته با عنوان «سپهر نشانه‌ای سهند» به فرهنگ معنا می‌بخشند. آیین‌های مرتبط با کوهستان سهند از طریق فرایندهای به‌دست‌آوردن و از دست‌دادن اجزا و تغییر

فرهنگی سهند در دو سطح دسته‌بندی می‌شوند، سطح اول شامل نشانه‌های مادی و عینی (مانند، کوه سلطان سهند، کوه قربان و نشانگاه، قره‌داش، بقعه و مقبره، خون قربانی، قنات) و در سطح دوم شامل نشانه‌های معنایی (مانند، اسطوره دختر گبر، چرخه حیات و مرگ، طواف قلّه و...). این نشانه‌ها در تعامل با سپهرهای نشانه‌ای ترکی، اسلامی و میترائی، معانی چندلایه‌ای تولید می‌کنند.

تقابل فرهنگ و «نه‌فرهنگ»، تقابلی بر سازنده و هویت‌بخش به فرهنگ است که در تعریف، تشخیص، تحدید حدود و مرزگذاری فرهنگ و در نهایت در برقراری یا عدم برقراری ارتباط با دیگری و ترجمان بینا فرهنگی مؤثر است و می‌تواند به‌سه‌شکل یاد در قالب سه جفت دوگان متضاد (تقابل فرهنگ و طبیعت، تقابل نظم و آشوب و تقابل خود و دیگری) درآید (Lotman et al., 1978, 25). بر این اساس، هر آن چیزی که به زندگی جمعی انسان‌ها در دامنه سهند تعلق دارد فرهنگ است و طبیعت، فضای کوه و قله متعدد آن، رودها و بادها و نیازهای زیستی و کوتاه‌مدت است. برقراری منظم و سالانه آیین‌ها و پایبندی به اصول در طول تاریخ به‌عنوان فضای نظم (فضای کیهان) و طبیعت خشن و غیرقابل پیش‌بینی منطقه و بادهای ویرانگر در فضای آشوب (فضای خائوس) دوگانه متقابل نظم و آشوب را شکل بخشیده و در نهایت فرهنگ فضای متعلق به خود (ادبیات شفاهی، داستان‌ها، اساطیر و باورهای مشترک منطقه)

جدول ۲. جدول تفکیکی رمزگانه‌ای آیین‌ها در سپهرهای نشانه‌ای کوهستان سهند. مأخذ: نگارندگان.

نشانه عینی و مفهومی آیین	سپهر ایران باستان (میتراپیسم)	سپهر اسلامی	سپهر ترکی
تقویم آیین (هفته اول اردیبهشت) (آخرین روز تابستان)	-	-	•
هدف آیین (دفع باد آغ یئل) (دفع بلایای طبیعی و تجلیل از چوپان)	-	-	•
محل شروع آیین (مقابل مسجد) (قلّه کوه)	-	•	•
شروع قبل از طلوع آفتاب	•	-	•
قرائت قرآن	-	•	-
گردش در محلات و همراهی اهالی	-	-	•
نذورات	-	•	-
مدیحه‌سرایی و مناجات خوانی	-	•	•
شرکت‌نکردن زنان (در مراسم اسفنجان)	•	•	•
سیراب کردن از آب قنات	-	-	•
طواف سنگ قره‌داش و طواف بقعه در قلّه سلطان	-	•	•
زیارت بقعه	-	•	-
طی الارض تا قربانگاه	-	•	-
قربانی و عبور خون تا نشانگاه	-	•	•
اسطوره دختر گبر	•	-	•
دفن استخوان‌ها و برخوردن کردن حیوانات با استخوان تقدس یافته	•	-	-
تقسیم گوشت قربانی بین اهالی و پخت کوفته	-	-	•



نشانه‌های «چندلایه، رمزگان‌های متعددی را در خود جای داده است. این رمزگان‌ها که ریشه در اعماق تاریخ و فرهنگ این منطقه دارند، در تعامل با سپهرهای نشانه‌های دیگر از جمله سپهر نشانه‌های ایران باستان، سپهر نشانه‌های اسلامی و سپهر نشانه‌های ترکی، به تولید و باز تولید معنا پرداخته‌اند.

تحلیل نشانه‌شناختی این آیین‌ها نشان می‌دهد فرایند شکل‌گیری آن‌ها، یک فرایند پویا و چندلایه بوده است. عناصر مختلف این سه سپهر نشانه‌ای از طریق مکانیزم‌های ترجمه بین‌نشانه‌ای و بین‌فرهنگی با یکدیگر در آمیخته و ساختار پیچیده‌ای پدید آورده‌اند. در این فرایند، هر یک از این سپهرها نقش ویژه‌ای ایفا کرده و به غنی‌سازی معنایی آیین‌ها کمک کرده است. سپهر نشانه‌های ترکی با تأکید بر ارتباط با طبیعت، نیایش به اجداد و باور به نیروهای ماورایی، بنیان اصلی این آیین‌ها را تشکیل داده است. سپهر نشانه‌های ایرانی با تأکید بر اسطوره‌ها و آیین‌های میتراپی، به این آیین‌ها عمق معنایی بخشیده است و در نهایت، سپهر نشانه‌های اسلامی نیز با تأکید بر مفاهیم اخلاقی و معنوی، بر این آیین‌ها تأثیر گذاشته است. آیین‌های مطالعه‌شده، به‌مثابه متن‌های فرهنگی و نشانه‌ای، نه تنها بازتابی از این نظام‌های معنایی هستند بلکه خود نیز در فرایند معنا سازی و انتقال ارزش‌های فرهنگی نقش فعالی ایفا می‌کنند. این آیین‌ها، با استفاده از نشانه‌هایی چون کوه، قربانی، طواف و... به بازنمایی و تقویت باورها، ارزش‌ها و هویت جمعی جوامع محلی می‌پردازند. آیین قربانی گاو، با تمرکز بر نماد قربانی و کوه و نشانگاه، به بازنمایی و تقویت باور به دفع بلا و جلب رضایت خدایان می‌پردازد. آیین طواف کوه سلطان نیز با تأکید بر نماد طواف و کوه، به تقویت باور به زیارت و طلب برکت از اولیا و بزرگان دینی و خدای آسمان و مهر می‌پردازد.

این پژوهش با تأکید بر رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان، نشان می‌دهد تحلیل پدیده‌های فرهنگی، از جمله آیین‌ها، نیازمند توجه به پیچیدگی و چندلایگی نظام‌های معنایی است. این رویکرد، با تأکید بر نقش فعال انسان و طبیعت در فرایند معنا سازی، امکان درک عمیق‌تری از پدیده‌های فرهنگی و طبیعی و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی را فراهم می‌سازد. در پایان، این پژوهش ضمن ارائه تصویری جامع از جایگاه کوه در آیین‌های فرهنگی سهند، بر اهمیت حفظ و احیای این میراث فرهنگی ناملموس تأکید می‌کند. با توجه به پویایی و تحول مداوم فرهنگ، تداوم و باز تولید این آیین‌ها نیازمند توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آن‌هاست. پژوهش‌های آتی می‌توانند با تمرکز بر ابعاد دیگر این آیین‌ها، از جمله نقش بناهای تاریخی موجود در کوه، تغییرات تاریخی و مطالعه تطبیقی این آیین‌ها با آیین‌های مشابه به تکمیل و تعمیق این مطالعه کمک کنند.

### عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه منافی برای ایشان وجود نداشته است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای شناخت نشانه‌های فرهنگی در آداب و رسوم جوامع حوزه فرهنگی سهند، به دلیل نقش محوری زبان ترکی آذربایجانی در انتقال فرهنگی در طول تاریخ، بررسی اساطیر و فرهنگ ترکی در کنار فرهنگ ایران باستان و اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر است.
  ۲. طبق اشعار شاعران روستا و نقل از سالمندان، پیش از این در زمان اجرای مراسم در بالای کوه، سازنوازی و شعرخوانی رایج بود.
- بخشی از شعر از اکبر برادری اسفنجان در مورد آیین قربانی:  
تیره سنگین قورباین - دولا تدریق باشینا - چو خالاری بوسه ووردو - تیره سنگین داشینا، حیف اولا اکبر قره - یوللار بیراز قولایدور - داغدا سازین یثربنه - نوحه دیر آه و وایدور

### فهرست منابع

- ابن کربلایی، حافظ حسین. (۱۳۴۹). *روضات الجنان و جنات الجنان* (تصحیح جعفر سلطان القرائی). بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ چشمه*.
- خاماچی، بهروز. (۱۳۷۰). *طواف سهند*. ذوقی.
- خانی، حامد. (۱۳۸۲). جایگاه نمادین کوه رضوی در فرهنگ اسلامی. *پژوهشنامه قرآن و حدیث*، ۱، ۱۳۱-۱۴۱.
- دباغ، امیر مسعود و مختاباد امرئی، مصطفی. (۱۳۹۳). چهار چوبی نوین برای خوانش مساجد تهران معاصر. *نقش جهان*، ۴ (۲)، ۲۲-۳۵.
- زادغلامحسین، رشید. (۱۴۰۰). *کوه‌های آذربایجان*. اختر.
- سیداف، میرعلی. (۱۳۸۱). *قام شامان و نگاهی به اساطیر خلق‌های ترک* (ترجمه صمدچلیلی). اختر.
- سیداف، میرعلی. (۱۳۸۴). *آذربایجان سوی کؤکونو دوشونرکن* (ترجمه رحیم‌شاوللی). اختر.
- سرفراز، حسین؛ پاکتچی، احمد؛ کوثری، مسعود و آشنا، حسام‌الدین. (۱۳۹۶). واکاوی نظریه فرهنگی سپهر نشانه‌های یوری لوتمان. *راهبرد فرهنگ*، ۳۹ (۳)، ۷۴-۹۵.
- فلسفی، علی. (۱۳۸۵). سی‌وششمین روز بهار در روستای اسفنجان. *دیلماج*، ۱۶-۲۱.
- کبیری‌هندی، مریم و دانه‌کار، افشین. (۱۳۹۱). رویکرد یکپارچه در مدیریت و حفاظت میراث طبیعی و فرهنگی. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۱ (۱)، ۱۴۷-۱۵۹.
- کزازی، جلال‌الدین. (۱۳۷۹). *از آغاز تا پادشاهی منوچهر* (ویرایش و گزارش شاهنامه‌فردوسی). سمت.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۲). *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*. انجمن آثار ملی.
- میری‌خسروشاهی، حمیده و فریدآقائی، مریم. (۱۳۹۳). بررسی مردم‌شناختی آیین قربانی سی‌وششمین روز بهار در اسفنجان. *فرهنگ مردم ایران*، ۳۶ (۱۲)، ۱۲۹-۱۴۴.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی و فرهنگ. در *امیرعلی نجومیان* (ویراستار)، *مجموعه مقالات نشانه‌شناسی فرهنگ*، به کوشش امیرعلی نجومیان. سخن.
- Bayat, F. (2006). Türk mirolojisinde dag kültü. *Folklor Edebiyat*, 12(46), 48-57.
- Fayaz, E., Sarfaraz, H., & Ahmadi, A. (2012). Semiotic of cultural landscapes in cultural geography; a conceptual approach for detection and understanding meaning. *Iranian Journal of Cultural Research*, 4(4), 91-116. <https://sid.ir/paper/137051/en>
- Ghorashi, A. (2001). *Water and mountain: in the Indo-Iranian*

mythology. *Hermes*.

- Ghaffari, A., & Folamaki, M. M. (2016). Semiotic theories of architecture and city reflected in readings. *Intenational Journal of Urban and Rural Management*, 15(45), 339-350. <https://ijurm.imo.org.ir/article-1-1433-fa.html>
- Hamejani, Y., Bayzidi, Q., & Sahabi, J. (2018). The semiotics of pir-e Shaliar ritual ceremony in cultural landscape of Hawraman. *Bagh-e Nazar*, 15(67), 17-30. <https://doi.org/10.22034/bagh.2018.80611>
- Hemati, R., & Zeynali Onari, M. (2014). Reading of meaning in the space of Sabalan Ardabil. *Journal of Iranian Cultural Research*, 6(4), 61-81. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2013.24.003>
- Hinnells, J. R. (2007). *Persian mythology* (J. Amuzegar & A. Tafazzoli, trans.). Cheshmeh. (Original work published 1975)
- Hoseinpour Mizab, M., Mohammadzadeh, M., & Asadollahi, A. S. (2021). An investigation of the relevancy between Turco-Mongol Mythologies and the Motif of Tree in the Demotte Shahnameh and Jami al-Tavarikh from a Cultural Semiotic Point of View. *Journal of Islamic Crafts*, 4(2), 29-38. <http://dx.doi.org/10.52547/jic.4.2.29>
- Inan, A. (2016). *Eski Turk dini tarihii* (M. Herischiyan, trans.). Denizchin. (Original work published 1976)
- Javadi, S. (2007). Shrines & nature (water, tree, mountain). *Bagh-e Nazar*, 4(8), 12-22.
- Lotman, Yu. M., Uspensky, B. A., & Mihaychuk, G. (1978). On the semiotic mechanism of culture. *New Literary History*, 9(2), 211-232. <https://doi.org/10.2307/468571>
- Lonngberg, K. (2011). Encountering the Cultural Other (T. Amrollahi, trans.). In F. Sojoudi (Ed.), *Majmueh Maqalat-e Neshaneh-shenasi-ye Farhang*. Elm.
- Mashhadi Noushabadi, M. (2022). Religious and mythological analysis of the Iranian religion and the mysterious sacrifice of a cow in Isfahan. *Religions and Mysticism*, 54(2), 451-425. <https://doi.org/10.22059/jrm.2022.325345.630206>
- Majedi, H., & Zarabadi, Z. S. (2010). An Investigation in the Urban Semeiology. *Armanshahr*, 3(4), 49-54.
- Mirshahzadeh, S., Eslami, S. G., & Eynifar, A. (2011). The role of borderline-hybrid space in signifying process: evaluation of interpretation potentiality of the space employing semiotic approach. *Hoviyatshahr*, 5(9), 5-16. <https://dori.net/dor/20.1001.1.17359562.1390.5.9.1.7>
- Nejad Ebrahimi, A., Gharehbeiglu, M., & Vafaei, S. M. (2019). Effective factors on communication and semiotics in architecture (case study: Kabood mosque in Tabriz). *Sophia Perennis*, 15(34), 179-202. <https://doi.org/10.22034/iw.2019.69691>
- Noghrekar, A., & Raesi, M. M. (2011). Semiology's analysis of Iranians housing system based on relations of text/housing layers. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 3(46), 5-14.
- Sakaoğlu, S., & Duymaz, A. (2002). *İslamiyet öncesi Türk destanları*. Ötüken Yayınları.
- Sonesson, G. (2011). *The concept of text in cultural semiotics* (F. Sojoudi, trans.). Elm. (Original work published 1998)
- Semenenko, A. (2017). *The texture of culture: An introduction to Yuri Lotman's semiotic theory* (H. Sarfaraz, trans.). Scientific and Cultural. (Original work published 2012)
- Sojoudi, F., & Basiri, A. (2015). Continuity and Discontinuity of cultural in before constitution theater of Iran. Study of "Zaman Khan's Rule" written by Mirza Agha Tabrizi. *Journal of Fine Arts: Performing Arts & Music*, 20(1), 27-40. <https://doi.org/10.22059/jfadram.2015.55384>
- Torop, P. (2002). Introduction: Rereading of cultural semiotics. *Sign Systems Studies*, 30(2), 395-404. <http://dx.doi.org/10.12697/SSS.2002.30.2.01>
- Uraz, M. (2017). *Türk Mitolojisi* (R. Saheb Qalam, trans.). Qalanyord. (Original work published 1992)
- Wijesuriya, G. (2001). Protection of Sacred Mountains-Towards a new paradigm in Conservation. In *UNESCO thematic expert meeting on Asia-Pacific sacred mountains* (pp. p-47). Final Report.
- Wild, R., & McLeod, C. (2008). *Sacred natural sites: Guidelines for protected area managers*. IUCN.

#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله  
توکلی، بهروز؛ کیانی ده کیانی، غلامرضا و قره بگلو، مینو. (۱۴۰۴). واکاوی جایگاه کوه در آیین‌های اساطیری منظر فرهنگی سهند  
براساس نشانه‌شناسی لوتمان. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۳ (۵۰)، ۲۲-۳۱.

DOI: [10.22034/jaco.2025.508577.1457](https://doi.org/10.22034/jaco.2025.508577.1457)  
URL: [https://www.jaco-sj.com/article\\_228710.html](https://www.jaco-sj.com/article_228710.html)

